

حکایت پلاس

انارستان ایران!



شعر «صد دانه یاقوت، دسته به دسته / با نظم و ترتیب یک جانشسته» از مصطفی رحماندوست، شاعر خوش ذوق کشور ما که یاد تان هست؛ همان یاقوت های قرمزی که با نظم و ترتیب یک جانشسته اند تا ما آنها را ببینیم و ببوییم و ببوسیم و البته نوش جان کنیم. این میوه سرخ علاوه بر طعم بهشتی اش و فوایدش که بسیار گفته اند و شنیده ایم، در ادبیات ما نیز نقشی بی بدیل داشته. انار از گذشته تا امروز به نمادی از عشق، زیبایی و رازهای پنهان انسانی تبدیل شده و به شکلی استعاره گونه، خبر از خون دل خوردن های انسانی می دهد. اما عرفای ما نیز به انار نگاهی ویژه داشته اند و آن را نمادی از وحدت در کثرت می انگارند؛ دانه های بسیار در دل یک پوسته هر کدام با طرح و شکل و حتی اندازه گوناگون اما در خدمت یک کل و هدفی مشترک؛ هدفی به نام مقدس انار بودن!

فردا، روز انار است. روز دانه های یاقوت و انار، بیش از هر چیز مرا یاد جامعه خدومان می اندازد؛ سرزمینی با تنوع قومی، فرهنگ های رنگارنگ و حتی زبان ها و گویش ها و لهجه های گوناگون، اما با یک هدف: ایران بودن! ایران ما اناری است که در دل خود، دانه هایی از کرد، بلوچ، فارس، عرب، ترکمن، لر، گیلک و مازنی را جا داده، دانه هایی که قلبشان چون انار، سپید و پاک است و البته مفید؛ و با حفظ ویژگی های خود، هر کدام در شکل گیری ساختار ایرانی قدرتمند و سربلند، سهم و شریک اند.

سؤزه روز

آتش سوزی ساختگی پورشه به طمع بیمه



در یکی از عجیب ترین پرونده های تقلب بیمه ای در سال ۲۰۲۵، مردی در ایالت پارانای برزیل متهم شد که خودروی لوکس خود، یعنی یک پورشه مدل سال ۲۰۱۸ را به آتش کشیده تا از شرکت بیمه خسارت دریافت کند. این اقدام نه تنها ناکام ماند، بلکه با ثبت تصاویر دوربین مدار بسته به یک رسوایی رسانه ای تبدیل شد. ماجرا از آنجا آغاز شد که به تاریخ ۱۵ اکتبر، مردی با مراجعه به پلیس مدعی شد که توسط افراد مسلح در ترافیک متوقف و به زور در صندوق عقب خودروی خود قرار داده شده است. او ادعا کرد که آدم ربایان او را به منطقه ای روستایی در حوالی شهر لاپا منتقل کرده و خودرو را به آتش کشیده اند. به گفته وی، رهنگدان را شنیدن فریادهایش او را نجات داده اند و او تنها دچار سوختگی های سطحی شده است.

اما تحقیقات پلیس مسیر دیگری را نشان داد. دوربین مدار بسته ای در نزدیکی محل حادثه، مردی را مشخص ظاهر می مالک خودرو را ثبت کرده است که با آرامش کامل خودرو را به محل برده، آن را به بنزین آغشته کرده و به آتش کشیده است، حتی پس از مواجهه با این شواهد وی همچنان بر روایت خود پافشاری کرد و سوختگی هایش را به عنوان مدرک بی گناهی ارائه داد.

بر اساس گزارش ها این خودروی لوکس دارای بدهی مالیاتی معوقه بوده و ارزش آن حدود ۷۰۰ هزار ریال برزیل (معادل ۱۳۰ هزار دلار) برآورد شده است. کارشناسان احتمال می دهند مالک به دلیل ناتوانی در فروش خودرو تصمیم به دریافت خسارت از بیمه از طریق ایجاد آتش سوزی ساختگی گرفته است.

نکته جالب آنکه این اقدام دقیقاً توسط تنها دوربین موجود در شعاع چند کیلومتری ثبت شده است؛ موضوعی که نشان می دهد انتخاب محل جرم نیز چندان هوشمندانه نبوده است.

با وجود شواهد موجود هنوز اتهامی رسمی علیه این فرد مطرح نشده و تحقیقات ادامه دارد. با این حال، از دست دادن یک پورشه ۹۱۱ بدون دریافت خسارت شاید خود بزرگ ترین مجازات برای او باشد.



سیدسروش طباطبایی پور | روزنامه نگار | به نظر شما اگر فردوسی، سعدی و مولوی در عهد و زمانه ما زندگی می کردند، باز هم اندیشه های انسانی خود را در قالب شعر می سرودند یا مسیری دیگر را برای تجسم افکارشان در جهان مدرن برمی گزیدند؟ من که معتقدم این یگانگان ادب فارسی، اگر همان قرن ۲۱ بودند، احتمالاً باز هم دست از سرودن شعر بر نمی داشتند، اما حتماً خودشان را به یکی از هنرهای امروزی هم مسلط می کردند و چه هنری بهتر از پویانمایی! هنری که هم می تواند سرشار از اندیشه های ناب باشد و هم شاعرانه و خیال انگیز! هدیهای که هم می تواند بزرگسالان را به سوی خود بکشد و هم برای کودکان و نوجوانان جذابیت داشته باشد. شاید به همین دلیل هم هست که در قرن اخیر، پویانمایی در جهان و کشور ما گل کرده و حتی



اتحادی قراتر از مرزها

پویانمایی جمشید و خورشید یکی از نخستین پویانمایی های بلند سینمایی ایران است که با تکنیک دویعدی ساخته شده است. داستان این اثر برداشتی آزاد از داستان عاشقانه ویس و رامین است و تلاش می کند مخاطب را با فرهنگ و اسطوره های ایرانی آشنا کند. جمشید، شاهزاده ای جوان و آرمان گرا، در مسیر رسیدن به عشق حقیقی با خورشید، دختر پادشاه سرزمین همسایه آشنا می شود. این آشنایی در شرایطی رخ می دهد که ۲۰۰۰ سال در گذشته ای سیاسی و اختلافات تاریخی اند. با وجود موانع، عشق میان جمشید و خورشید شکوفا می شود و آنها تصمیم می گیرند برای تحقق این پیوند، با سنت ها و تعصبات مبارزه کنند. مقاومت در برابر قدرت و سنت های محدود کننده و اتحادی قراتر از مرزهای جغرافیایی، از جمله مفاهیم انسانی این پویانمایی است.



پیدا کردن هویت واقعی

هواپیمایی در مسیر جنوب ایران سقوط می کند و نوزادی به نام نیما به دریا پر تاب می شود و دلفینی مهربان او را نجات می دهد و در کنار خانواده دلفینی اش، نیما را بزرگ می کند؛ چیزی برگرفته از داستان اساطیری زال و سیمرغ. با گذشت زمان، نیما که در دنیای ماهی ها زندگی می کرده، متوجه هویت واقعی اش می شود و برای پیدا کردن مادرش و کشف گذشته اش به خشکی بازمی گردد و با چالش هایی مثل پیدا کردن هویت و بازگشت به ریشه هایش مواجه می شود. در پایان، نیما هویت انسانی خود را پیدا می کند، اما تلاشی می کند تا ارتباطش با دنیای دلفین ها را حفظ کند. پسر دلفینی وقتی متوجه هویت واقعی خود می شود، برای پیدا کردن آن، شجاعت و استقامت به خرج می دهد و از کمک هایی که به سوش می آید، استقبال می کند.



تامل با طبیعت و حیات وحش

پویانمایی بچه ز رنگ، داستان پسر بچه ای به نام محسن است که در مسیر تبدیل شدن به یک قهرمان، با مفاهیم انسانی چون مسئولیت پذیری، همدلی، شجاعت و حفاظت از طبیعت روبه رو می شود. محسن به طور اتفاقی با ببری مواجه می شود که از گونه های در حال انقراض است و تصمیم می گیرد آن را به زخم موایی که سر راهش وجود دارد به زادگاهش بازگرداند. مازندران برساند. به شکلی ناخود آگاه، محسن به الگوی همکاری، اعتماد با نفس، احترام به طبیعت و انسانی جست و جوگر تبدیل می شود و تعامل او با انسان ها و دیگر حیوانات از آموزنده ترین بخش های این پویانمایی است.



دوستی میان ادیان الهی

این پویانمایی داستان ملیکا، دختر قیصر روم، دختر عفیف و پاکدامن مسیحی را روایت می کند که در پی رؤیاهایی الهام بخش، از دربار می گریزد و سرنوشت او را به ازدواج با امام حسن عسکری (ع) و تولد فرزندان، امام زمان (عج) هدایت می کند. داستان با تمرکز بر عشق، ایمان و فداکاری، تلاش می کند چهره ای انسانی و قهرمانانه از مادر امام دوازدهم شیعیان ارائه دهد. یکی از مهم ترین مضامین این پویانمایی بلند، نزدیکی و مودت میان ادیان الهی است و تأکید بر این نکته که همه ادیان آسمانی، هدفی مشترک را دنبال می کنند که همان سعادت دو جهانی انسان است.



ایستادگی در برابر ظلم

در سرزمینی گله ای از فیل ها زندگی می کردند که رئیس آنها، فیلی قدرتمند بود. با تولد فرزندش، فیلشاه، همه انتظار داشتند که او نیز مانند پدرش قوی و شجاع باشد، اما فیلشاه برخلاف انتظار، دست و پا چلفتی و البته مهربان و صلح طلب بود. فیلشاه در مسیر رشد با چالش هایی مثل ناتوانی در برآوردن کردن انتظارات دیگران و احساس بی کفایتی مواجه می شود و در جریان یک سفر پرماجر و ورود به دنیای انسان ها، با شاهزاده ای جوان و مغرور آشنا می شود که قرار است پادشاه شود. در این مسیر، فیلشاه باید بشجاعت، فداکاری و مهربانی را تمرین کند و درمی یابد که قهرمان بودن به معنای زور زور نیست، بلکه در گرو قلب مهربان، تصمیم های درست و ایستادگی در برابر ظلم است.

جمشید و خورشید

کارگردان: بهروز بهرامیان
تهیه کننده: نادر بهرامیان
سال تولید: ۱۳۸۴



پسر دلفینی

کارگردان: محمد خیر اندیش
تهیه کننده: محمدان همدانی
سال تولید: ۱۴۰۱



بچه رنگ

کارگردان: بهنود نکویی، هادی محمدیان و محمدجواد جنتی
تهیه کننده: حامد جعفری
سال تولید: ۱۴۰۰



شاهزاده روم

کارگردان: هادی محمدیان
تهیه کننده: حامد جعفری
سال تولید: ۱۳۹۳



فیلشاه

کارگردان: هادی محمدیان
تهیه کننده: حامد جعفری
سال تولید: ۱۳۹۶



نگاه

شهرهایی که خریدار زباله اند



در دنیای امروز که اغلب شهرها با بحران انباشت پسماند و هزینه های گزاف مدیریت آن دست و پنجه نرم می کنند، خبری از چنین توجه جهانیان را به خود جلب کرده است: برخی شهرهای این کشور با کمبود زباله مواجه شده و برای تأمین سوخت نیروگاه های خود، به «واردات» و «خريد» زباله از مناطق همجوار روی آورده اند! این پارادوکس شگفت انگیز، نتیجه یک تحول استراتژیک و موفق در تکرش به پسماند است که می تواند الگویی درخشان برای تمام کشورها از جمله ایران باشد.

تا کمتر از ۲ دهه پیش، چین خود در زباله های شهری غرق بود و آلودگی های ناشی از آن، هوا و آب های زیرزمینی را به شدت تهدید می کرد، اما یک تصمیم کلان، این تهدید بزرگ را به فرصتی بی نظیر تبدیل کرد: سرمایه گذاری گسترده روی فناوری «تبدیل زباله به برق». دولت با احداث بیش از ۱۰۰ نیروگاه مدرن زباله سوز، فرایندی را پایه گذاری کرد که در آن، پسماندها به جای دفن، در کوره های پیشرفته و بدون انتشار آلاینده های مضر، سوزانده و به برق تبدیل می شوند.

موفقیت این طرح به قدری چشمگیر بود که یک «بحران معکوس» ایجاد کرد. ظرفیت عظیم و کارایی بالای این نیروگاه ها، تقاضا برای زباله به عنوان سوخت را به شدت افزایش داد؛ تا جایی که زباله های تولیدی در خود شهر، دیگر برای فعال نگه داشتن این چرخه عظیم انرژی کافی نبود. در نتیجه، این شهرها برای جلوگیری از توقف فعالیت نیروگاه های سودآور خود، حالا حاضرند برای هر تن زباله، مبلغی را به شهرهای همسایه بپردازند. به عبارت دیگر، «طلای کثیف» از یک اصطلاح به یک واقعیت اقتصادی تبدیل شده است. این تجربه، درسی قدرتمند برای ما و جهان دارد. این مدل نشان می دهد که پسماند یک معضل نیست، بلکه یک منبع ارزشمند و تجدیدپذیر است. با تغییر نگاه، سرمایه گذاری بر فناوری های پاک و مدیریت یکپارچه، می توان ضمن حفاظت از محیط زیست، امنیت انرژی را تقویت و یک چرخه اقتصادی پایدار ایجاد کرد. داستان شهرهای خریدار زباله در چین، یک نقشه راه عملی برای تبدیل بزرگ ترین چالش های شهری به بزرگ ترین فرصت های ملی است.

عکس نوشت

تصمیم گیری مثل آینده



جدیدترین دیوارنگار میدان ولیعصر با شعار محوری «مثل آینده تصمیم بگیرید» رونمایی شد تا بار دیگر این قاپ بزرگ شهری، بازتاب دهنده مهم ترین دغدغه های روز جامعه باشد. این دیوارنگار که با رویکرد «اهمیت تصمیم گیری صحیح در حوزه مدیریت اقتصادی کشور» طراحی شده، تصویری نمادین از یک اتاق فرماندهی اقتصادی را به نمایش می گذارد.

در این تصویر، دولتمردان پشت یک میزگرد نشسته اند و در پس زمینه آنها، یک ویدئووال عظیم، مملو از نمودارهای پیچیده اقتصادی، شاخص های بورس، نرخ تورم و نقشه ایران و جهان دیده می شود. این ترکیب بندی هنرمندانه، بر لزوم اتخاذ تصمیمات داده محور، علمی و مبتنی بر تحلیل های کلان برای عبور از چالش های اقتصادی تأکید دارد.

شعار «مثل آینده تصمیم بگیرید» در حقیقت یک مطالبه عمومی از سیاستگذاران است؛ دعوتی برای فاصله گرفتن از راه حل های کوتاه مدت و روزمرگی و در پیش گرفتن یک رویکرد استراتژیک و بلندمدت برای ساختن فردایی بهتر. این دیوارنگار به شهروندان و مسئولان یادآوری می کند که کلید پیشرفت کشور در گرو تصمیماتی است که امروز با نگاهی به آینده گرفته می شود.